

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»

۲۶ می ۲۰۱۶

تفسیر احمد - ۷

ترجمه و تفسیر سورة الانشقاق - ۲

به ادامه گذشته:

قیامت و علایم آن :

ابو بکر الجزائری یکی استادان شهیر تفسیر و حدیث در مدینه منوره در کتاب خویش (عقیده المؤمن) روز قیامت را چنین تعریف و توصیف نموده است: «ان المراد من يوم القيامة امران: فناء هذه العوالم كلها وانتهاء هذه الحياة بكاملها والثاني إقبال الحياة الآخرة وابتدائها، فدل لفظ اليوم الآخر على آخر يوم هذه الحياة وعلى اليوم الاول والاخر من الحياة الثانية اذ هو يوم واحد لا ثانيه له فيها البتة» (هدف از روز قیامت دو چیز است:

اول زوال و فناء همه این جهان، فناء و ختم زندگی.

دوم آغاز و ابتدای زندگی دیگر.

پس لفظ آخرت بر آخرین روز زندگی این جهان و بر اولین روز و آخرین روز زندگی دوم دلالت می کند، به خاطر این که تعریف روز قیامت چنین بیان یافته است:

«هو الحادثه الكونية العظمى التي تطوى عندها السموات والارض وينتشر فيها النظام الكوني» (روز قیامت يك حادثه بزرگ كونی است كه در آن آسمانها و زمین با هم درهم می چسبند و نظام كونی امروزه در آن در هم و برهم می گردد).

ابوبكر بن ابوالدنيا از مقداد بن اسود نقل می کند كه از رسول الله صلى الله عليه وسلم شنیده است كه فرمودند: «روز قیامت آفتاب به اندازه یک یا دو میل (سليم بن عامر یکی از راویان حدیث می گوید: نمی دانم منظور از میل مسافت زمین است یا منظور همان میلی است كه با آن سرمه در چشم می کنند) به مردم نزدیک می شود و مردم در گرمای آن به تناسب اعمال شان عرق می ریزند. گروهی تا پشت پایشان و گروهی تا زانو و گروهی دیگر تا كمر بند شان در عرقند. سپس رسول الله صلى الله عليه وسلم اشاره به دهان مبارکش کرده و فرمودند: و گروهی كه عرق آنها را در برمی گیرد و عرق می نمایند». (مسلم و ترمذی نیز این حدیث را روایت کرده اند).

در صحیحین از ابوهریره روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هفت گروهند که در روزی که هیچ سایه‌ای به جز سایه خداوند وجود ندارد خداوند آنها را زیر سایه خودش می‌گیرد. رهبر عدالت‌پیشه، جوانی که در عبادت خدا کلان شده باشد، و مردی که قلبش به مسجد معلق است، و دو نفری که در راه خدا با یک دیگر دوست شده و نشست و برخاستشان به خاطر الله باشد، و مردی که وقتی زنی با شخصیت و زیبا از او تقاضای فعل حرامی را کند بگوید: من از الله می‌ترسم، و کسی که آنقدر مخفیانه صدقه می‌دهد که دست چپش از صدقه دست راستش بی‌خبر می‌ماند، و کسی که در خلوت با یاد خدا اشک بریزد».

همه این زمانی است که مردم در جایگاه تنگ و تاریکی قرار دارند، جایی طاقت‌فرسا مگر بر کسانی که خداوند به آنها لطف نماید و آسان کند، از خداوند می‌خواهیم که آن روز را بر ما آسان نموده و ما را از سختی‌هایش به دور بدارد (آمین).

وقتی مردم از قبرهایشان برمی‌خیزند زمین را به گونه‌ای دیگر می‌بینند. کوه‌های مسطح گشته و تپه‌ها از بین رفته‌اند، شکلش تغییر یافته، رودها خشک شده و درختان ریشه‌کن گشته و دریاها برافروخته شده‌اند. پستی و بلندی‌هایش یکسان شده و شهرها و روستاها خراب گشته‌اند، زلزله‌ها رخ داده و زمین همه محتویاتش را بیرون ریخته است که انسان می‌پرسد: زمین را چه شده است؟

آسمان‌ها نیز به همین صورت تغییر یافته است. ستارگان خاموش شده و متلاشی گشته‌اند و آسمان شکافته شده و تکه تکه گردیده است و فرشتگان همه جا را احاطه کرده‌اند و آفتاب و ماه در یک جا جمع شده و تاریک شده‌اند که بعد از آن خاموش می‌شوند.

ابوبکر بن عیاش از ابن عباس نقل می‌کند که فرمود: «وقتی مردم از قبرها بیرون می‌آیند، می‌بینند که نه زمین، زمین قبلی است و نه مردم مردمی هستند که قبلاً آنها را می‌شناخته‌اند».

خداوند می‌فرماید: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (سوره ابراهیم/ ۴۸) «روزی که زمین به زمین دیگری و آسمان‌ها به آسمان‌های دیگری تبدیل می‌شوند و مردم در پیشگاه خداوند یگانه مسلط حضور به هم می‌رسند».

«يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا * وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا * فَوَيْلٌ لِّلْمُكْذِبِينَ» (طور/ ۹-۱۱) «روزی که آسمان سخت به تکان و جنبش می‌افتد و درهم می‌لورد * و کوه‌ها شتابان روان می‌گردند * در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان».

«فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ * فَيَأْتِي آلَاءُ رَبِّكُمَا تُكْذِبَانِ * فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ * فَيَأْتِي آلَاءُ رَبِّكُمَا تُكْذِبَانِ» (سوره الرحمن / ۳۷-۴۰)

«بدانگاه که آسمان شکافته شود و همچون روغن گداخته‌ای گردد * پس کدامین نعمت پروردگارتان را تکذیب می‌کنید * در آن روز وقت آن نیست که انس و جن از گناهانشان پرسیده شود * پس کدامین نعمت پروردگارتان را انکار می‌کنید».

«فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ * وَانشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ * وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ * يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ» (سوره الحاقه / ۱۵-۱۸) «بدان هنگام است که آن واقعه (روز قیامت) رخ می‌دهد * و آسمان از هم می‌شکافتد و پراکنده می‌شود، و در آن روز سست و ناستوار می‌گردد * و فرشتگان در اطراف و کنارهای آسمان قرار می‌گیرند و در آن روز هشت فرشته عرش پروردگارت را حمل می‌نمایند * در آن روز به خدا عرضه می‌شوید و چیزی از کارهای نهانیتان مخفی و پوشیده نمی‌ماند».

در صحیحین از سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه سلم فرمودند: «روز قیامت مردم بر سرزمینی بسیار سفید و صاف که هیچ مرز بلندی بر آن وجود ندارد محشور می‌شوند».

امام احمد از عایشه صدیقه رضی الله عنها نقل می‌کند که فرمود: «من اولین کسی بودم که از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد آیت: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» (سوره ابراهیم / ۴۸) سؤال نمودم، پرسیدم: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم! مردم در این حالت کجا هستند؟ فرمود: (بر صراط)». (امام مسلم و ترمذی و ابن ماجه نیز روایت کرده‌اند).

مسلم در روایتی دیگر از ثوبان خدمتکار رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند: یکی از علمای یهود در مورد این آیت از رسول خدا صلی الله علیه وسلم سؤال نمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در تاریکی نزدیک پل صراط».

آیات مربوط به قیامت در بیشتر سوره‌های قرآن کریم وجود دارد. امام احمد از ابن عمر رضی الله عنه نقل می‌فرماید: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که می‌خواهد از نزدیک قیامت را تماشا کند، سوره‌های «التکویر» و «الإنفطار» و «الإنشفاق» و سوره هود را بخواند. (- به روایت امام احمد از عبدالرزاق از عبدالله بن یحیی صنعانی از عبدالله بن یزید صنعانی از ابن عمر از رسول الله صلی الله علیه وسلم، ترمذی نیز این حدیث را روایت نموده است.) «
إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱) وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ (۲) وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳) وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴) وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ (۵) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَّاقِيهِ (۶) فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷) فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸) وَيَتَقَلَّبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹) وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰) فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (۱۱) وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا (۱۲) إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۱۳) إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴) بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا» (سوره الإنشفاق / ۱-۱۵)

«هنگامی که آسمان می‌شکافد * و فرمان پروردگارش را می‌برد و چنین نیز سزاوار است * و هنگامی که زمین گسترده می‌شود * و هر چه در درون خود دارد بیرون ریخته و خالی می‌گردد * و فرمان پروردگارش را می‌برد و سزاوار نیز همین است * ای انسان، تو با تلاش و رنج فراوان به طرف پروردگار خود رهسپاری و سرانجام او را ملاقات خواهی نمود * در آن وقت هر کسی نامه اعمالش به دست راستش داده شود * با او حساب ساده و آسانی خواهد شد و خرم و شادمان به سوی خانواده‌اش برمی‌گردد * و اما آن کسی که نامه اعمالش از پشت سر به او داده شود * مرگ را فریاد زده و آرزوی هلاکت می‌کند * و به آتش سوزان دوزخ خواهد رسید * او در دنیا در میان خانواده‌اش سرمست و مسرور بوده است * او گمان می‌کرده که هرگز به سوی خدا باز نخواهد گشت * آری! پروردگارش او را می‌دیده و آگاه از حالش بوده است».

اسرافیل فرشته مأمور دمیدن در صور، دو مرتبه به اذن خداوند در صور می‌دمد: بار اول جهت پایان دادن به دنیا و از بین رفتن تمام موجودات روی زمین و آسمان (به جز کسانی که خدا بخواهد) و تغییرات و تبدیلاتی که جهت شروع روز قیامت در زمین و آسمان صورت می‌گیرد می‌باشد و بار دوم جهت برخاستن موجودات و انسان‌ها از قبرهایشان و شتافتن به سوی صحرای محشر جهت رویارویی با خداوند و گرفتن کارنامه اعمال است.

«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ * وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ * وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يُفْعَلُونَ» (سوره الزمر / ۶۷-۷۰) «در صور دمیده خواهد شد و تمامی کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد، سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود که به ناگاه همه مردم

از قبرها به پاخاسته و به اطراف می‌نگرند * و زمین با نور خدا روشن می‌شود و نامه اعمال توزیع می‌گردد و پیغمبران و گواهان آورده می‌شوند و به درستی بین مردم قضاوت می‌شوند و اصلاً به آنها ستمی نمی‌شود * و به تمام و کمال جزای هر کاری را که انسان کرده است بدو داده می‌شود و خداوند بهتر می‌داند که آنها چه کارهایی را می‌کرده‌اند. اما سختی روز قیامت بیشتر مختص کافران خواهد بود و کسانی که در دنیا به آیات خداوند کفر ورزیده اند در حقیقت خود به خودشان ظلم کرده اند چرا که با کفر ورزیدن خود را مستحق عذاب و قهر و غضب الهی ساخته اند درحالی که در دنیا بدانها هشدار داده شده بود.

خداوند می‌فرماید: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ * وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمْرٌ مَرٌّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَنْفَقَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» (النمل / ۸۷-۸۸) «و روزی که در صور دمیده می‌شود تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمینند وحشت‌زده و هراسناک شوند مگر کسانی که خدا بخواهد و همگان فروتنانه در پیشگاه خدا حاضر و آماده می‌گردند * و کوه‌ها را ساکن و بی‌حرکت می‌پنداری در حالی که مانند ابرها در سیر و حرکت هستند، این ساختار خداوندی است که همه چیز را محکم و استوار آفریده است، مسلماً از کارهای شما آگاه است.» «فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ * فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ * عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ» (سوره المدثر / ۸-۱۰) «هنگامی که در صور دمیده شود * آن روز، روز سختی خواهد بود * بر کافران آسان نخواهد بود.»

امام احمد از ابن عباس رضی الله عنه نقل می‌کند که در تفسیر آیت: «فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ» (سوره المدثر: ۸) از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت کرده است که فرمودند: «چه کار خواهید کرد در حالی که مسؤول دمیدن در صور آن را در دست گرفته و پیشانی را به جلو آورده و منتظر امر خداوند است تا در آن بدمد؟» یاران پرسیدند: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم چه بگوئیم؟ فرمود: بگوئید: «حسبنا الله و نعم الوکیل، علی الله توکلنا.» «خدا برایمان بس است و چه خوب پشتوانه‌ایست، بر خدا توکل نمودیم.»

پس با نفخ اول در صور، نظام آفرینش کنونی به هم می‌ریزد و از شدت انفجار همه موجودات جان می‌دهند و آسمان‌ها و زمین از مسیرهای طبیعی خود خارج گشته و در یک کلام زلزله قیامت رخ می‌دهد که این همه حوادث مقدمه‌ای خواهد بود جهت بازگشت به خدا و پس دادن حساب در روز قیامت.

سپس دیگر بار در صور دمیده می‌شود که همه مردگان بدون در نظر گرفتن زمان مرگ شان مبعوث گشته و مات و حیرت‌زده به خاطر تغییراتی که در نظام آفرینش می‌بینند، به اطراف خود نگاه می‌کنند و آنجاست که تبه‌کاران به بدبختی و روسیاهی خود پی برده و دیوانه‌وار به این طرف و آن طرف می‌دوند و در نهایت با بدنی عریان و پای برهنه به سوی صحرای محشر روانه می‌گردند. و چه زیبا خداوند در یک جمله چنین بیان می‌کند: «مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (سوره طه / ۵۵) «ما شما از زمین آفریده‌ایم و بدان باز می‌گردانیم، و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم.»

سؤالاتی ضروری در روز قیامت:

انسانها در مورد معبودی که عبادت کرده‌اند، مورد سؤال قرار می‌گیرند. از آنان سؤال می‌شود که پیامبران را اجابت کرده‌اند یا خیر.

انسانها درباره اعمالی که انجام داده‌اند و از نعمتهایی که در دنیا از آنها بهره برده‌اند و از عهد و پیمانها و از گوش، چشم و دلهایشان سؤال خواهد شد. در این بحث از موارد ذکر شده صحبت خواهد شد.

۱- کفر و شرک:

نباید فراموش کرد، مهمترین سوالی که در روز قیامت از انسانها به عمل می آید راجع به کفر و شرک است. از آنها درباره معبودهایشان سوال می شود. خداوند می فرماید: آیت: «وَقِيلَ لَهُمْ أَيُّ مَا كُنْتُمْ تُعْبُدُونَ * مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْصُرُونَ». (سوره الشعراء: ۹۲ - ۹۳) (و بدیشان گفته می شود: کجا هستند معبودهایی که پیوسته آنها را عبادت می کردید؟ (معبودهای) غیر از خدا. آیا آنها (در برابر این شدائد و سختیهای که اکنون با آن روبه رو هستید و هستند) شما را کمک می کنند یا خویشان را یاری می دهند؟).

«وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيُّ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ». (سوره القصص: ۶۲) (روزی (را خاطر نشان ساز که) خدا ایشان را فریاد می دارد و می گوید: انباز هائی که برای من گمان می بردید کجایند؟! (ای مشرکان! حالا که حجابها و پرده ها کنار رفته اند و هنگامه حساب و کتاب و گرفتاری و درماندگی است، بگوئید بتها و خداگونه های انس و جنی که می پنداشتید و می پرستیدید بیابند و شما را از عقاب و عذاب آفریدگار برهاند).

انسانها درباره این که غیر از خدا چه کسی را عبادت می کردند و این که جانوران و انواع هدایا را به معبودهای باطل تقدیم می کردند مورد سوال قرار خواهند گرفت آیت: «وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تُفْتَرُونَ». (سوره النحل: ۵۶) «(کافران) برای بتهایی که چیزی نمی دانند (زیرا که جمادند)، بهره ای (از حیوانات و ارزاق خود) که ما بدیشان داده ایم قرار می دهند (و بدین وسیله بدانها تقرب می جویند). به خدا سوگند! (در دادگاه قیامت) از این دروغ و بهتانها بازپرسی خواهید شد (و سزای کردارتان داده می شود).

و راجع به تکذیب پیامبران مورد سوال قرار می گیرند: آیت: «وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ * فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ». القصص: ۶۵ - ۶۶

((خاطر نشان ساز) روزی را که خداوند مشرکان را فریاد می دارد و می گوید: به پیغمبران چه پاسخی دادید؟ در این هنگام (بر اثر حیرت و دهشت) همه خیرها از یادشان می رود (و جملگی دچار فراموشی می شوند و سخنی برای گفتن نخواهند داشت و حتی از خوف و ترس) نمی توانند چیزی از یکدیگر هم بپرسند).

۲- در دنیا چه عملی را انجام داده اند؟

انسان در مورد اعمالی که در دنیا انجام داده است مورد بازخواست قرار می گیرد.

«فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (سوره الحجر: ۹۲ - ۹۳)

(به پروردگارت قسم! که حتماً (در روز رستاخیز از آنچه در دنیا مردمان انجام می دهند) از جملگی ایشان پرس و جو خواهیم کرد. (سوال و بازخواست می کنیم) از کارهایی که (در جهان) می کرده اند).

«فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ». (سوره الأعراف: ۶) ((در روز قیامت) به طور قطع از کسانی که پیغمبران به سوی آنان روانه شده اند می پرسیم (که آیا پیام آسمانی به شما رسانده شده است یا خیر و چگونه بدان پاسخ داده اید؟) و حتماً از پیغمبران هم می پرسیم (که آیا پیام آسمانی را رسانده اید و از مردمان در قبال فرمان یزدان چه شنیده و چه دیده اید؟).

در سنن ترمذی از ابی برزه اسلمی رضی الله عنه روایت شده که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا تزول قدما عبد يوم القيامة، حتى يسأل عن عمره فيم أفناه، وعن علمه فيم فعل، وعن ماله من أين اكتسبه وفيم أنفق؟ وعن جسمه فيم

أبلاه؟» (جامع الاصول (۴۳۶/۱۰) و شماره آن: ۷۹۶۹). (در روز قیامت هیچ کس نمی‌تواند قدم بردارد تا این که در مورد چهار چیز از او سؤال نشود:

۱- عمرش را در چه چیزی صرف نمود.

۲- جوانی اش را با چه چیزی به سر برد.

۳- تا کجا به علم و دانشش عمل کرد.

۴- مال و ثروتش را از چه راهی کسب کرد و در چه چیزی خرج نمود).

باز در سنن ترمذی از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا تزول قدم ابن آدم يوم القيامة من عند ربه، حتى يسأل عن خمس: عن عمره فيم أفناه؟ وعن شبابه فيم أبلاه؟ وعن ماله من أين اكتسبه، وفيم أنفقه، وماذا عمل فيما علم».

(در روز قیامت هیچ کس نمی‌تواند در حضور پروردگار قدم بردارد تا این که در مورد پنج چیز از او سؤال نشود:

۱- عمرش را در چه چیز صرف نمود

۲- مقطع جوانی را با چه چیزی به سر برد.

۳- مال و ثروتش را از چه راهی کسب کرد.

۴- مال و ثروتش را در چه چیزی خرج نمود.

۵- تا کجا به علم و دانشش عمل کرد).

آنچه که در حدیث مذکور و یا امثال آن قابل توجه است، این که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم مسلمانان را به سوی احتیاط و تخفیف در جمع‌آوری اموال دعوت می‌کند، زیرا به هر میزان که مال انسان زیاد باشد، مدت محاسبه‌اش نیز به همان میزان زیاد و طولانی خواهد بود. و به هر میزان که مال و دارائی‌اش اندک باشد، مدت زمان حسابش به همان میزان کوتاه بوده و به سرعت تمام به بهشت برده می‌شود. از رسول‌اکرم الله صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمود: «إن فقراء المهاجرين يسبقون الأغنياء، يوم القيامة إلى الجنة بأربعين خريفاً». (مهاجرین فقراء به مدت چهل سال جلوتر از مهاجران اغنیاء به بهشت برده می‌شوند).

۳- نعمت هائی که مورد استفاده بوده‌اند:

خداوند روز قیامت از نعمت‌هائی که در دنیا به انسان اعطا فرموده، می‌فرماید: «ثُمَّ لَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ». (سوره التكاثر: ۸) (سپس در آن روز از ناز و نعمت بازخواست خواهید شد).

مقصود از نعمت موارد زیر می‌باشند:

شکم سبیر، آب خنک، سایه خانه و مسکن، تعدیل در ساختار جسم و روح و لذت خواب.

سعید بن جبیر رضی الله عنه می‌گوید: حتی یک جرعه عسل مورد بازخواست واقع می‌شود.

مجاهد می‌گوید: تمام لذات دنیوی شامل بازخواست می‌باشند.

حسن بصری می‌گوید: نعمت صبح و شام نیز از جمله نعمت‌هائی هستند که انسان در مورد آنها مورد سؤال قرار خواهد گرفت.

ابن عباس می‌گوید: نعیم عبارت است از: صحت جسم، چشم و گوش. تفسیر ابن کثیر: (۳۶۴/۷) انواع نعمت‌هائی که شمرده شدند، از باب تنوع در تفسیر نعمت بود و گونه نعمت‌های خداوند بسیار زیادند و قابل شمارش نیستند:

« وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا ». (سورة إبراهيم: ۳۴) (و اگر بخواهید نعمتهای خدا را بشمارید (از بس که زیادند) نمی‌توانید آنها را شمارش کنید).

بعضی نعمتها ضروری و برخی دیگر از مکملات هستند و مردم نیز در ارتباط با نعمت یکسان نیستند. مردم یک دوران از نعمت هائی بهره می‌جویند که در دوره بعدی یا قبلی وجود نداشته و ندارند. در شهری نعمت هائی یافت می‌شوند که در شهر دیگر یافت نمی‌شوند. انسانها از تمام این نعمتها مسؤول خواهند بود.

در سنن ترمذی از ابی هریره روایت شده که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«إِنْ أَوْلَ مَا يَسْأَلُ الْعَبْدَ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النِّعَمِ أَنْ يُقَالَ لَهُ: أَلَمْ نَصْحَ لَكَ جَسْمَكَ؟ وَنَرُوكَ مِنَ الْمَاءِ الْبَارِدِ». مشكاة المصابيح: (۶۵۶/۲) و شماره آن: (۱۵۹۶).

(روز قیامت اولین سؤالی که در باره نعمت ها از انسان پرسیده می‌شود این است: آیا جسمی سالم را به تو نداده بودیم؟ و از آب سرد تو را سیراب نکرده بودیم؟).

بعضی از مردم نعمت‌های بزرگ و با ارزش الهی را که به آنان عنایت شده‌اند، درک نمی‌کنند و قدر نعمت یک جرعه آب، یک لقمه طعام، مسکن، همسر و فرزندان را نمی‌دانند و نعمت را تنها در ساختمانهای مجلل، باغ ها و سواری‌های آخرین مدل منحصر به فرد می‌دانند.

شخصی از عبدالله بن عمرو بن العاص سؤال کرد و گفت آیا ما از مهاجران فقراء نیستیم؟ عبدالله از وی سؤال کرد: آیا همسر داری که نزد وی بروی؟ گفت: دارم، بعد سؤال کرد: آیا منزلی برای سکونت داری؟ گفت: دارم. عبدالله بن عمرو گفت: پس تو از ثروتمندان هستی. آن شخص گفت: علاوه بر این من خدمت گزارانی نیز دارم، عبدالله بن عمرو گفت: پس تو از جمله سلاطین هستی. صحیح مسلم: (۲۲۸۵/۴) و شماره آن: (۲۹۷۹).

در صحیح بخاری از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که پیامبر الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «نعمتان مغبون فیهما کثیر من الناس: الصحة والفراغ». (دو نعمت وجود دارند که بسیاری از مردم در ارتباط با آنها دچار ضرر و زیان هستند: تندرستی و فراغت وقت).

معنی حدیث این است که اغلب مردم در شکر و قدردانی از این دو نعمت کوتاهی می‌کنند، و به مقتضای آن دو، عمل نمی‌کنند و هرکس به مقتضای آنچه که بر وی واجب است عمل نکند، در خسارت است. در مسند احمد آمده است که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا بأس بالغنی لمن اتقى الله عز وجل، والصحة لمن اتقى الله خیر من الغنی، وطیب النفس من النعم». (کسانی که از معصیت خداوند می‌ترسند ثروت برای آنها هیچ اشکالی ندارد. تندرستی برای کسانی که از خداوند می‌ترسند، از ثروت بهتر است، و نفس پاکیزه از جمله نعمت ها است).

در صحیح مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «یلقى (الرب) العبد فیقول: ای قُل، ألم أکرّمک، وأسودک، وأزوجک، وأسخر لک الخیل والإبل، وأذکرک ترأس وتربع؟ فیقول: بلی. قال: فیقول: أفظننت أنك ملاقی؟ قال: فیقول: لا. فیقول: فإنی أنساک کما نسیتنی. ثم یلقى الثانی فیقول: ای قُل، ألم أکرّمک، وأسودک، وأزوجک، وأسخر لک الخیل والإبل، وأذکرک ترأس وتربع؟ فیقول: بلی. ای رب، فیقول: أفظننت أنك ملاقی؟ فیقول: لا. فیقول: فإنی أنساک کما نسیتنی. ثم یلقى الثالث، فیقول له مثل ذلك. فیقول: یا رب أمنت بک وبکتابک وبرسلک وصلیت وصمت وتصدقت، ویثنی بخیر ما استطاع. فیقول: ههنا اذن.

قال: ثم یقال له: الآن نبعث علیک شاهداً علیک، ویفکر فی نفسه، من ذا یشهد علی؟ فیختم الله علی فیه. ویقال لفضده ولحمه وعظامه: انطقی فتنطق فخذ له لحمه وعظامه بعمله. وذلك لیعذر من نفسه. وذلك المنافق الذی یسخط الله علیه».

وقتی که بنده با پروردگارش ملاقات می کند، پروردگار از وی سؤال می کند: ای فلانی! آیا از تو احترام نگرفتم؟ سیادت و بزرگی را به تو ندادم؟ همسر به تو ندادم؟ گاو و شتران را در اختیار تو نگذاشتم؟ که تو بر آنها سیادت نکردی؟ بنده در جواب می گوید: آری، پروردگار از وی سؤال می کند، آیا تو گمان کردی که روزی با من ملاقات می کنی و برای چنین کاری خود را آماده کرده‌ای؟ بنده می‌گوید: خیر. پروردگار می‌گوید: همانطور که تو مرا فراموش کردی، من نیز امروز تو را به فراموشی می سپارم. با نفر دومی ملاقات می کند، همان صحبت میان او و پروردگارش انجام می‌گیرد.

بعد خداوند نفر سومی را ملاقات می‌کند. همان سؤال را از وی می پرسد، می‌گوید: پروردگارا! به تو و به کتاب تو و پیامبر تو ایمان آورده‌ام، نماز خوانده‌ام، روزه گرفته‌ام و صدقه داده‌ام، و تا می تواند پروردگارش را تعریف می کند. آنگاه پروردگار به او می گوید: بس است.

سپس خداوند به او می‌گوید: آیا گواهی علیه تو بیاوریم، او به خود می اندیشد. چه کسی علیه من گواهی می دهد؟ خداوند بر دل او مهر می زند و به ران، گوشت و استخوانهای او حکم می شود: سخن بگوئید. آنگاه ران، گوشت و استخوانهای او پیرامون اعمالی که انجام داده است سخن می گویند تا عذری برای گناهانش باقی نمانده باشد و این معامله با منافقینی که مورد خشم خداوند هستند صورت خواهد گرفت).

سؤال از نعمت، در واقع سؤال از انجام شکر و سپاس در برابر نعمت هائی است که خداوند به انسان عنایت کرده است. هرگاه انسان شکر کند، در واقع حق نعمت را به جای آورده است. اما اگر منکر شود و از نعمت قدردانی نکند، خداوند بروی خشم خواهد کرد.

در صحیح مسلم از حضرت انس رضی الله عنه روایت شده که رسول اکرم الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « إن الله لیرضی عن العبد أن یأکل الأكلة، فیحمده علیها، أو یشرب الشربة فیحمده علیها». (خداوند از بنده راضی و خوشنود می شود وقتی که لقمه را بخورد و در برابر آن خدا را سپاس گوید، یا یک جرعه آب بنوشد و در برابر آن خدا را سپاس گوید). (مشکاة المصابیح و شماره آن: ۴۲).

۴- عهد و پیمان:

خداوند انسانها را در برابر عهد و پیمانی که با او بسته‌اند مورد بازخواست قرار می‌دهد. آیه: «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلِ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ اللَّهُ مَسْئُولًا». (سوره الأحزاب: ۱۵) (آنان قبلاً با خدا عهد و پیمان بسته بودند که پشت به دشمن نکنند و نگریزند (و در دفاع از اسلام و مسلمین بایستند). عهد و پیمان خدا پرشش دارد (و از وفای بدان بازخواست می‌شود).

و هرگونه عهد و پیمان جایز و مشروعی که میان انسانها بسته شود، خداوند دربارهٔ ایفاء و عدم ایفاء آن سؤال خواهد کرد. می فرماید: « وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا». (سوره الإسراء: ۳۴) (و به عهد و پیمان خود که با خدا یا مردم بسته‌اید) وفا کنید، چرا که از (شما روز رستاخیز درباره) عهد و پیمان پرسیده می‌شود).

۵- گوش، چشم و دل:

خداوند انسانها را در برابر تمام گفته‌هایشان مورد سؤال قرار می‌دهد. اینجا است که انسانها را از گفتن سخنان بدون علم و سندن بر حذر داشته است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا». (سوره الإسراء: ۳۶)

(از چیزی دنبالمروی مکن که از آن ناآگاهی. بی‌گمان (انسان در برابر کارهایی که) چشم و گوش و دل همه (و سایر اعضای دیگر انجام می‌دهند) مورد پرس و جوی از آن قرار می‌گیرد).

قتاده می‌گوید: راجع به آنچه که دیده‌ای یا ندیده‌ای، شنیده‌ای یا نشنیده‌ای، می‌دانی یا نمی‌دانی، چیزی نگو، زیرا خداوند راجع به همه اینها از تو سؤال خواهد کرد.

ابن کثیر می‌گوید: خلاصه آنچه که در آیت بیان گردید، این است که خداوند متعال از گفتن سخن بدون علم و مدرک نهی کرده است حتی سخن مظنون و مشکوک را نیز جایز نشمرده است می‌فرماید: «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ». (سوره الحجرات: ۱۲) (از بسیاری از گمانها بپرهیزید، که برخی از گمانها گناه است). در حدیث آمده است: «إياكم والظن فإن الظن أكذب الحديث». (نزدیک گمان نروید، زیرا که گمان از بزرگترین دروغ است)

در سنن ابو داوود آمده است: بدترین سواری و تکیه گاه انسان این است که به ظن و گمان سخن گوید. و در حدیثی دیگر آمده است: «إن أفرى الفرى أن يرى الرجل عينيه ما لم تريا». (بزرگتر از همه دروغ‌ها این است که انسان به چشم خود نشان دهد آنچه را که چشم ندیده).

و در حدیثی صحیح آمده است: «من تحلم حلمًا كلف يوم القيامة أن يعقد بين شعيرتين وليس بفاعل». (تفسیر ابن کثیر: ۳۰۸/۴). (هرکس به دروغ بگوید: من خواب دیده‌ام، روز قیامت به وی امر می‌شود تا دو دانه جو را گره زند و او هرگز قادر به این کار نخواهد بود)

یادداشت :

تفسیر قتاده، تألیف قتاده بن دعامه معروف به ابوالخطاب سدوسی بصری که نابینا به دنیا آمد؛ او فقیه مشهور بصره و دانا به علم انساب و اشعار عرب به شمار می‌رفت . صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست :

معلومات مؤجز

آشنائی با سوره

وجه تسمیه

فضیلت سوره

ترجمه مؤجز

توضیح و تفسیر کلمات

قیامت و علایم آن

سؤالاتی ضروری در روز قیامت

۱- کفر و شرک

۲- در دنیا چه عملی را انجام داده‌اند؟

۳- نعمت‌هایی که مورد استفاده بوده‌اند

۴- عهد و پیمان

۵- گوش، چشم و دل

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفهانی
- جلوه هائی از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن / سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیأتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری